



خبرنامه داخلی  
کانون وکلای دادگستری  
استان خوزستان

# افتخار وکالت

## عناوین مقالات

- نقد «دفاعیات بلاوجه» در آراء محاکم و دادسرا
- قتل در فراش
- دفاع مشروع در حقوق جزای ایران
- تمایز اعمال حقوقی و وقایع حقوقی
- مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی
- آئین های محلی و حل و فصل اختلافات کیفری
- جایگاه حقوقی رقابت در نظام حقوقی داخلی و بین المللی
- آثار مرگ مغزی در حقوق کیفری
- حمایت از مالکیت معنوی در نظام کیفری ایران
- نقش دوگانه مهاجرت در پیشرفت و بزهکاری

بهار ۱۳۹۱

سال سوم - دوره جدید شماره سوم

متوفی از ماترک متوفی قابل وصول می باشد این حکم در مورد شخصی که مبتلا به مرگ مغزی شده نیز جاری است زیرا بنا بر بیانات قبلی شخص مرگ مغزی از نظر جاری شدن احکام کیفری با شخص مرده هیچ تفاوتی ندارد.

#### اثر مرگ مغزی بر اجرای احکام کیفری

اجرای احکام آخرین مرحله دادرسی کیفری است و می توانیم بگوئیم که دادرسی های کیفری فقط برای تحقق بخشیدن به این مرحله صورت می گیرد و اجرای احکام کیفری از قوانین شکلی بوده و اجرای این احکام باید مبتنی بر قانون باشد. (۹)

۱- تأثیر مرگ مغزی بر دیه :

در خصوص پرداخت دیه بستگی دارد به اینکه دیه را ماهیتاً مجازات بدانیم یا اینکه از قبیل تادیبه خسارت و حیران ضرر و زیان به شمار آوریم نتیجتاً اگر نظر اول را بپذیریم باید به اسقاط دیه در صورت فوت متهم رأی داد و اگر دین بدانیم با فوت متهم دیه اسقاط نمی شود اداره حقوقی دادگستری برداشت دوم را قبول کرده و بیان می دارد: «در صورت فوت متهم مرجع کیفری به استناد بند اول ماده ۶ قانون آئین دادرسی کیفری قرار موقوفی تعقیب صادر می کند». اما چون دیه به منزله دین است اسقاط نمی شود و به ترتیب مقرر از اموال یا اقرار یا بیت المال باید استیفاء شود همچنین چون دیه مانند سایر حقوق است به ارث نیز می رسد. (۱۰)

#### ۲- تأثیر مرگ مغزی بر جزای نقدی:

با توجه به اینکه مجازات بودن جزای نقدی مورد قبول تمامی حقوقدانان قرار گرفته و از طرفی گرفتن اموال دیگری با اصل شخصی بودن مجازات ها منافات دارد و به علاوه هدف مجازات اصلاح و ارباب مجرم است و با فوت وی چنین هدفی حاصل نمی شود، بنابراین با فوت و یا مرگ مغزی متهم، جزای نقدی نیز ساقط می گردد. نظریه حقوقی دادگستری نیز در نظریه شماره ۸۵۹۴/۷ مورخ ۱۳۸۲/۴/۱۴ پرداخت جزای نقدی توسط محکوم علیه را مجازات شخصی محسوب می کند زیرا در صورت عدم پرداخت تبدیل به حبس می شود (اجرای آن با فوت محکوم علیه موقوف می شود). (۱۱)

#### ۳- اثر مرگ مغزی حین اجرای حکم

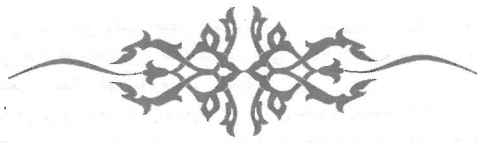
در صورتی که متهم حین اجرای حکم فوت کند، از حیث محکومیت کیفری در مورد باقی مجازات قرار موقوفی اجرای حکم صادر خواهد شد.

#### نتیجه گیری :

شخص مبتلا به مرگ مغزی از نظر عرف پزشکان مرده محسوب می شود ولی گروهی از فقها موافق این نظر نمی باشند به طور کلی مرگ مغزی در زمره همان مرگ عادی است و تمام احکام کیفری شخص متوفی بر وی جاری می باشد و زمان اعلام مرگ مغزی زمان پایان زندگی شخص محسوب می شود و بعبارت دیگر در صورت مبتلا شدن شخص محکوم علیه به مرگ مغزی کلیه مجازاتهای شخصی ساقط شده اما طبق ماده ۱۰ قانون آئین دادرسی کیفری ادعای خصوصی به قوت خود باقی است و جبران ضرر و زیان مادی، زیانهای معنوی و منافع ممکن الحصول که منظور منافی است که امکان حصول آن در آینده محقق می باشد و همچنین مطالبه خسارت عدم النفع محقق الحصول بطور مطلق قابل وصول است مگر وقتی که این خسارت یا محتمل الحصول باشد و یا علی رغم محقق الحصول بودن ناشی از دادرسی، تأخیر انجام تعهد یا عدم انجام آن و عدم تسلیم خواسته یا تأخیر آن نباشد. در غیر این موارد خسارت عدم النفع قابل مطالبه است (۱۲) و شاکی خصوصی تا قبل از اعلام ختم دادرسی می تواند خسارات خصوصی ناشی از جرم را از ورثه یا قائم مقام متهم فوت شده مطالبه نماید.

#### منابع:

- ۱- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، انتشارات چاپ دانشگاه تهران، ج ۴، ۱۳۵۲، ص ۲۱۱.
- ۲- بنی یعقوب، جواد، فرهنگ واژگان و اصطلاحات حقوقی- اقتصادی- اداری (انگلیسی به فارسی)، تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۸۸، ص ۲۰۸.
- ۳- نیکومنش، امیرالله، احکام فقهی و حقوقی مرگ و مرگ مغزی، رساله دکتری رشته ی الهیات و معارف اسلامی گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه علوم و تحقیقات تهران، ص ۸۵.
- ۴- حبیبی، حسین، مرگ مغزی و پیوند اعضا از دیدگاه فقه و حقوق، تهران: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۰، ص ۴۵.
- ۵- همان، ص ۲۱۵ الی ۱۸۲.
- ۶- فتاوی آیت الله مکارم شیرازی.
- ۷- رجوع شود به فتاوی آیت الله خوئی.
- ۸- فروتن، مصطفی، موارد صدور قرار موقوفی تعقیب کیفری در ایران، پروژه تحقیقاتی دوره کارشناس، ۱۳۸۳، ص ۴۰، جهت مطالعه بیشتر رجوع شود به مدنی، جلال الدین، آئین دادرسی کیفری ۱ و ۲، انتشارات پایدار، ۱۳۷۸، آشوری، محمد، آئین دادرسی کیفری انتشارات سمت، ج ۱، ۱۳۸۲.
- ۹- آخوندی، محمود، آئین دادرسی کیفری، ج ۱، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸، ص ۶۴-۱۳.
- ۱۰- فروتن، مصطفی، پیشین، ص ۴۵، گرجی، ابوالقاسم، دیات، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۰، ص ۲۰.
- ۱۱- فروتن، مصطفی، پیشین، ص ۴۶.
- ۱۲- برای مطالبه بیشتر در این زمینه رجوع شود به مقاله منافع ممکن الحصول و عدم النفع انجمن علمی دانشجویان ایران نقل از سایت اینترنتی [www.vekalat.org](http://www.vekalat.org)، جمشیدی، دادرسی دادگاه عمومی تهران، مقاله حقوقی منافع ممکن الحصول و عدم النفع، به نقل از سایت اینترنتی [www.m-pirouzi.com](http://www.m-pirouzi.com).



مسعود مفاذری تهرانی

کارآموز وکالت کانون وکلای خوزستان-مدرس دانشگاه

## حمایت از مالکیت معنوی در نظام کیفری ایران

### چکیده:

حمایت از مالکیت معنوی در حقوق ایران مورد توجه قرار گرفته است و قوانینی که قبل از انقلاب اسلامی و بعد از آن به تصویب رسیده اند، به این حق توجه کرده اند. مالکیت معنوی مرتبط با پدیدآورنده یک اثر است که مصادیق آن در کنوانسیون سازمان جهانی مالکیت معنوی احصاء شده است. مهمترین این مصادیق آثار ادبی، علمی و هنری است. قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ برای اولین بار به حمایت از مالکیت ادبی و هنری پرداخت و در قوانین بعدی دامنه این حمایت گسترده شد. مع الهذا به نظر می رسد هنوز هم حقوق ایران در حمایت از مالکیت ادبی و هنری با خلأ روبرو است.

**کلید واژه :** مالکیت معنوی، مالکیت ادبی و هنری، حقوق ایران، جرم انگاری، پدیدآورنده

### درآمد

حقوق مالکیت معنوی امروز جایگاه مهمی در حوزه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و حقوقی جوامع دارد به گونه ای که قانونگذار به حمایت از آن را پرداخته است. در این مقاله به سیاست کیفری ایران در قبال این حقوق پرداخته می شود.

### الف- مفهوم حقوق مالکیت معنوی

مالکیت معنوی یک مفهوم حقوقی است که از یک سو به حمایت از پدیدآورنده اثر می پردازد و به او این اطمینان را می بخشد که با آسودگی خاطر آثار بهتری عرضه می کند و از سوی دیگر به جامعه این امکان را می دهد که با اعتماد به اصالت آثار، از فواید مالکیت معنوی بهره مند می شود. اگرچه موضوع مالکیت معنوی ابتکارها و تراوش های ذهنی انسان است، ولی دارای ارزش مادی است. به همین جهت از اموال به حساب می آید و شامل حق اختراع، حق بر علائم تجاری و صنعتی و حق بر اسرار تجاری است.

بند ۸ ماده ۲ کنوانسیون تأسیس سازمانی جهانی مالکیت معنوی (WIPO)، مالکیت معنوی را شامل حقوق زیر دانسته است: (۱)

- آثار ادبی، هنری و علمی؛

-نمایش های هنرمندان بازیگر، صدای ضبط شده، برنامه های رادیویی؛

-حمایت در برابر قدرت نامطلوب و سایر حقوقی که ناشی از فعالیت معنوی در قلمرو صنعتی، علمی، ادبی و هنری می باشد. - در موافقت نامه راجع به جنبه های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت معنوی (تریپس)، اصطلاح مالکیت معنوی انواع مالکیت های معنوی شامل حق کپی برداری، حمایت از اجراء کنندگان صفحه گرامافون و سازمان های بخش کننده، علائم تجاری، نشانه های جغرافیایی، طرح های صنعتی، اختراع، طرح های ساخت مدارهای یکپارچه و حفاظت از اطلاعات افشا نشده را در بر می گیرد.

### ب- مبانی حقوق مالکیت معنوی

یکی از پرسش هایی که در زمینه حقوق مالکیت معنوی وجود دارد این است که چه ضرورت و توجیهی برای حمایت از این حقوق وجود دارد و چرا بایستی این حقوق را مورد حمایت قرار داد؟

امروزه نقش حقوق مالکیت معنوی در تجارت بین المللی، سرمایه گذاری بر کسی پوشیده نیست و به طور کلی نظام مالکیت معنوی به عنوان یکی از مسائل زیربنایی سیاست نوین اقتصادی در سطح ملی، بستر و ابزار مهم برای امر توسعه پایدار برای کشورها در حال توسعه و کم تر توسعه یافته معرفی شده است. حمایت قوی و مؤثر از حقوق مالکیت معنوی عامل مهم و تعیین کننده ای در تسهیل موجبات انتقال تکنولوژی و جلب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در بخش های معین اقتصادی است که برای توسعه پایدار امری حیاتی تلقی می شود.

در موارد نقض حقوق مالکیت معنوی، تنها افراد صاحب حق، آسیب نمی بینند بلکه در عین حال خساراتی بس بزرگ و غیر



قابل جبران در پیکره وارد می آید؛ چون وقتی حقوق صنعتی، ادبی و هنری مردم و ابداعات و اختراعات آنها مورد حمایت کافی و مؤثر نباشد طبیعتاً میل به ابداع و اختراع و خلاقیت سازندگی آنگونه که باید در افراد تقویت و بارور نمی شود و جامعه از نتایج بالقوه فکر طبقه مبتکر و متفکر خود محروم می ماند. (۲)

بدون شک تأثیر سویی را که دزدی و سرقت ادبی و تعرض به حقوق معنوی پدیدآورندگان از نظر جلو گیری از ابداع و ابتکار دارد و همین طور از نظر احساس عمومی یأس و نا امنی در میان هنرمندان و نویسندگان و به طور کلی متفکران جامعه به وجود می آورد نمی توان نادیده انگاشت و از این منظر این نوع تعرض به حقوق دیگران و اعمال ضد اجتماعی نیازمند برخورد شدید و استفاده از مجازات های شدید می باشد.

معمولاً افرادی را که مرتکب نقض حقوق مالکیت معنوی پدیدآورندگان می شوند، کسانی هستند که در سطح فکری و اجتماعی بالاتری در جامعه قرار گرفته اند این افراد بر خلاف محرومانی که برای تأمین معاش خود دست به سرقت ساده می زنند، قادرند با به کار انداختن نفوذ و سرقت خود فکر خود از چنگال عدالت بگریزند لذا حفظ منافع جامعه ایجاب می نماید که در برخورد با این افراد اقدامات شدیدتری انجام پذیرد و برای مقابله با این اعمال خطرناک ضد اجتماعی از حقوق جزا و ابزارهای وابسته به آن استفاده گردد.

### ج- جرایم علیه حقوق مالکیت ادبی و هنری در نظام حقوقی ایران

در حال حاضر در حوزه حقوق مالکیت ادبی و هنری به چهار قانون مهم می توان اشاره کرد که هر یک به طور خاص به جرم انگاری برخی اعمال علیه حقوق مالکیت ادبی و هنری پرداخته اند.

۱- در قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸

#### جرایم پیش بینی شده در این قانون عبارتند از:

##### ۱-۱- نشر یا پخش یا عرضه اثر دیگری به نام خود یا دیگری

بر اساس ماده ۲ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان «هر کس تمام یا قسمتی از اثر دیگری را که مورد حمایت این قانون است به نام خود یا به نام پدیدآورنده بدون اجازه او یا عالماً عامداً به نام شخص دیگری غیر از خود پدیدآورنده، نشر یا پخش یا عرضه کند به حبس تأدیبی از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.»

در این ماده قانون گذار از اصل ضرر پیروی نموده و به مقابله با کسانی پرداخته است که حقوق مادی و معنوی پدیدآورندگان آثار را از طریق نشر یا پخش یا عرضه اثر دیگری به نام خود یا دیگری مورد تعرض قرار می دهد.

عنصر مادی جرم موضوع ماده فوق عبارت است از نشر یا پخش یا عرضه اثر دیگری به نام خود یا دیگری. در واقع ارتکاب هریک از اعمال فوق باعث تحقق عنصر مادی جرم مزبور می شود. نشر عبارت از هر عملی می باشد که منجر به ساختن یا تهیه نمونه های دیگری از اثر اصل می شود مثل ضبط مکانیکی روی نوارهای ضبط صوت صفحات موسیقی، تهیه نگاتیو فیلم های سینمایی و ... (۳). مراد از پخش، توزیع آن آثار است و عرضه نیز به معنی در دسترس قرار دادن یا نمایش دادن یک اثر شنیداری یا دیداری برای عموم است (۴).

عنصر مادی این جرم از نوع فعل است و با ترک فعل محقق نمی شود. مصادیق عمل مرتکب حصری است و محدود به نشر یا پخش و عرضه است.

جرم مزبور یک جرم مطلق است و مقید به نتیجه نیست یعنی لازم نیست که ارتکاب اعمال مزبور حتماً ضرری متوجه پدیدآورنده اثر بشود تا جرم محقق بشود.

عنصر روانی جرم با توجه به واژه های عالماً و عامداً عبارت از علم مرتکب به تعلق اثر به دیگری و عمد در نشر یا پخش یا عرضه غیر قانونی اثر دیگری است. تحقق عنصر روانی جرم مزبور نیازی به سو نیت خاص یعنی قصد اضرار به پدیدآورنده اثر یا شخص دیگری که حقوق مادی اثر به او انتقال یافته است، ندارد.

اثبات سو نیت در ناقضان مستقیم آسان است ولی در خصوص افرادی که در عمل آنها مؤخر است نیاز به ادله مثبت دارد. در مورد اخیر قاضی بایستی با توجه به اوضاع و احوال بازار و جامعه ای که تخلف در آن صورت گرفته به احراز عمد و سو نیت متهم بپردازد. (۵). بنابراین برای این که عمل شخص در شمول این ماده قرار گیرد شخصی که مالک اثر ادبی-هنری نیست و یا اینکه حقوق مادی اثر از طریق قرارداد به او منتقل نشده است بخشی از اثر یا کل اثری را که متعلق به دیگری است و مورد حمایت این قانون است، هر چند که به نام پدیدآورنده اثر ثبت نشده باشد بدون رضایت او به نام خودش یا پدیدآورنده یا به نام شخص دیگری نشر یا پخش یا عرضه می کند و بدین صورت با نقض حق انتساب اثر به پدیدآورنده و بدون اجازه او نشر یا پخش یا عرضه می نماید، حقوق مادی را نقض کرده است.

#### آثار مورد حمایت این قانون بر اساس ماده ۲ عبارتند از:

۱. کتاب، رساله، جزوه، نمایشنامه و هر نوشته دیگر علمی و فنی و ادبی و هنری.
۲. شعر و ترانه و سرود و تصنیف که به هر ترتیب نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد.
۳. اثر سمعی و بصری به منظور اجرا در صحنه های نمایش یا پرده سینما یا پخش از رادیو یا تلویزیون که به هر ترتیب نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد
۴. اثر موسیقی به هر ترتیب و روش نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد.
۵. نقاشی و تصویر و طرح و نقش و نقشه جغرافیایی ابتکاری و نوشته ها و خط های تزئینی و هر گونه اثر تزئینی و اثر تجسمی که به هر طریق و روش به صورت ساده یا ترکیبی بوجود آمده باشد.
۶. هر گونه پیکره (مجسمه)

۷. اثر معماری از قبیل طرح و نقشه ساختمان

۸. اثر عکاسی که با روش ابتکاری و ابداع پدید آمده باشد.

۹. اثر ابتکاری مربوط به هنرهای دستی و صنعتی و نقشه قالی و گلیم.

۱۰. اثر ابتکاری که بر پایه فرهنگ عامه یا میراث فرهنگی و هنر ملی پدید آمده باشد.

۱۱. اثر فنی که جنبه ابداع و ابتکار داشته باشد.

۱۲. هر گونه اثر مبتکرانه دیگر که از ترکیب چند اثر از اثرهای نامبرده پدید آمده باشد.

با توجه به اینکه این ماده فقط به آثار مورد حمایت این قانون اشاره کرده است می توان گفت در صورتیکه اثر انتشار یافته یا پخش شده یا عرضه شده از آثاری باشد که در ماده ۲ این قانون ذکر نشده است، جرم موضوع ماده ۲۳ ق.ح.م.م.ه. محقق نخواهد شد.

همچنین، آثاری مورد حمایت قانون و تحت مشمول ماده ۲۳ قرار میگیرند که شکل محسوس داشته باشند، بدین معنی که افکار و اندیشه ها مورد حمایت نیستند و باید از قالب ذهنیات خارج شوند و به صورت محسوس و عینی تجسم یابند تا قابل حمایت باشند. (۶) همچنین اثری قابل حمایت است که ابتکاری و اصیل باشد بدین معنی که مظهر شخصیت و معنویات پدیدآورنده و انعکاسی از افکار او باشد اما نو بودن اثر شرط نمی باشد. (۷) اصالت اثر میتواند دو گونه باشد:

۱. اصالت در محتوا: یعنی پدید آورنده اولین فردی باشد که آنرا خلق میکند. مانند نویسنده ای که برای نخستین بار در مورد واقعه ای داستان می نویسد.

۲. اصالت در تعبیر: پدیدآورنده اثر از محتوایی که در گذشته وجود داشته است استفاده می کند و اثر دیگری می آفریند که دارای ویژگی اعتبار است مانند فنون ترجمه، شعری که با توجه به یک ضرب المثَل سروده می شود. فیلم های اقتباسی که همگی دارای ویژگی اصالت هستند. (۸)

در تحقق جرم موضوع ماده فرقی نمی کند که مرتکب تمام اثر یا قسمتی از آن را به نام خود یا دیگری مورد استفاده ناروا قرار دهد پس اگر مرتکب فقط قسمتی از اثر دیگری را به نام خود یا به نام پدیدآورنده امام بدون اجازه او عالماً عامداً به نام شخص دیگری غیر از پدیدآورنده نشر یا پخش یا عرضه کند جرم موضوع ماده ۲۳ تحقق پیدا می کند.

قانون گذار برای کسانی که جرم مزبور را مرتکب شوند حبس تأدیبی از شش ماه تا سه سال در نظر گرفته است. با توجه به قیاحت شدید عمل مرتکب در این ماده و شدت ضررهای وارده بر پدیدآورنده اثر و نیز آثار عواقب سویی که عمل مرتکب در ابتکار و نوآوری می تواند داشته باشد، به نظر می رسد که بسیار نا چیز بوده و بر خلاف قاعده و اصل تناسب جرم و مجازات می باشد توجه به جبران ضررهای وارده بر بزه دیده ضروری است.

##### ۲-۱- چاپ و پخش و نشر ترجمه دیگری

بر اساس ماده ۲۴ ق.ح.م.م.ه. «هر کس بدون اجازه، ترجمه دیگری به نام خود یا دیگری چاپ و پخش و نشر کند به حبس تأدیبی از سه ماه تا یکسال محکوم خواهد شد.»

اگر مترجم به چاپ، نشر و پخش ترجمه خود به نام دیگری رضایت داشته باشد جرم موضوع این ماده تحقق پیدا نمی کند. این ماده در واقعه تخصیص قاعده «رضایت به ارتکاب جرم، عمل ارتکابی را مباح نمی سازد» می باشد زیرا اصل کلی این اصل که رضایت قربانی تأثیری در تحقق ارتکاب جرم ندارد و این ماده رضایت قربانی را زایل کننده وصف جرم دانسته است. نکته ای که در مورد جرم موضوع ماده قابل ذکر است این می باشد که آیا برای تحقق جرم مزبور، شخص بایستی مرتکب هر سه عمل چاپ، پخش و نشر گردد یا اینکه ارتکاب یکی از آنها برای تحقق جرم کفایت می نماید؟ چون قانونگذار از کلمه یا در تسریع اعمال موضوع ماده استفاده نکرده و اعلام نموده که هر کس این عمل را مرتکب شود، به مجازات مقرر محکوم می شود، برای تحقق جرم مزبور مرتکب بایستی هر سه عمل را مرتکب شود و ارتکاب یکی از آنها به تنهایی برای تحقق جرم کافی نیست. چون پخش و نشر از لوازم چاپ اثر است و پخش اثر ترجمه دیگری به اسم فرد دیگر بدون علم به واقعیت موضوع باعث تحقق جرم نمی شود و کسی که ترجمه دیگری به اسم خود یا دیگری چاپ می کند به این خاطر است که آنرا نشر و پخش نماید که البته به نظر می رسد که لازم نیست خود شخص مباشرتاً اقدام به نشر و پخش کند بلکه می تواند این اقدامات را توسط افراد دیگری انجام دهد.

جرم مزبور از جرایم عمدی است و علم مرتکب به تعلق ترجمه به دیگری ضروری است. در تحقق عنصر روانی جرم مزبور نیازی به سو نیت خاص یعنی قصد اضرار به غیر نیست.

##### ۳-۱- به کاربردن نام و عنوان و نشان ویژه ای که معرف اثر است.

بر اساس ماده ۱۷ ق.ح.م.م.ه. «نام و نشان ویژه ای که معرف اثر است از حمایت این قانون برخوردار خواهد بود و هیچ کس نمی تواند آنها را برای اثر دیگری از همان نوع یا مانند آن به ترتیبی که القاء شبه کند، به کار برد.» و بر اساس ماده ۲۵ همین قانون، متخلفین از این ماده به حبس تأدیبی از سه ماه تا یکسال محکوم خواهند شد.

هر اثر دارای نام، عنوان و نشان ویژه ای است که آنرا از دیگر آثار متمایز می سازد، قانونگذار برای جلوگیری از به کار بردن ناروای نام و عنوان و نشان ویژه اثر دیگری، اقدام به جرم انگاری این عمل نموده و برای متخلفین مجازات در نظر گرفته است. عنصر ماده این جرم فقط با فعل محقق می شود این جرم، مقید است و بایستی القا به شبهه نماید یعنی موجب فریب دیگران شود.

از لحاظ عنصر روانی، جرم مزبور، عمدی است و علم مرتکب به موضوع لازم است. یعنی مرتکب آگاه باشد که نام، عنوان و نشان، به اثر دیگری تعلق دارد. تحقق عنصر معنوی این جرم مستلزم سو نیت عام قصد توسل به وسایل متقلبانه مزبور و سو نیت خاص قصد فریب و بردن مال غیر است.

به اعتقاد برخی ماده ۱۷ در مواردی پدیدآورندگان را با اشکال مواجه خواهد ساخت چون این ماده در مقام بیان استفاده



غیر قانونی از نام و عنوان اثر دیگری می باشد و در مواردی که فرد با عمل خود منجر به حذف نام، عنوان و نشان ویژه معرف پدیدآورنده می شود، ساکت است و به همین دلیل اختلافات زیادی بوجود آمده است. (۹)

#### ۱-۴- اقتباس غیر قانونی

بر اساس ماده ۱۸ ق.ج.م.م.ه. انتقال گیرنده و ناشر کسانی که طبق این قانون اجازه استفاده یا استناد یا اقتباس از اثری را به منظور انتفاع دارند باید نام پدید آورنده را با عنوان و نشان ویژه معرف اثر همراه اثر یا روی نسخه اصلی یا نسخه های چاپی یا تکثیر شده به روش معمول و متداول اعلام و درج نمایند. مگر اینکه پدید آورنده به ترتیب دیگری موافقت کرده باشد. متخلفین از ماده مزبور بر اساس ماده ۲۵ قانون فوق مستوجز حبس تأدیبی از سه ماه تا یکسال می باشند.

در تحقق جرم موضوع این بند، شخصیت مرتکب ملاک است که مطابق ماده فوق مرتکب انتقال گیرنده، ناشر و کسانی است که طبق این قانون اجازه اقتباس را دارند به نظر می رسد مصادیق مرتکبان، تمثیلی است و حصری نمی باشد و هر کس که به موجب قانون اجازه اقتباس را داشته باشد ولی تشریفات قانونی آنرا انجام ندهد، مرتکب این جرم شناخته می شود اما کسانی که اجازه قانونی برای اقتباس ندارند و از اثر دیگری استفاده می کنند و به اقتباس و تلخیص از آن بپردازند چه آنرا به نام خود یا پدیدآورنده یا شخص ثالثی منتشر یا توزیع نمایند، مشمول جرم موضوع ماده ۱۸ و ۲۵ قانون مزبور نخواهند بود بلکه جرم آنها منطبق با ماده ۲۳ است.

این جرم از جرایم عمدی است و برای تحقق آن علم مرتکب به موضوع شرط است یعنی مرتکب باید بداند که اثر متعلق به دیگری اقتباس نموده است و سو نیت عام یعنی قصد عدم اعلام درج نام پدید آورنده کفایت می کند و نیازی به سو نیت خاص انتفاع از عمل خود یا اضرار به پدیدآورنده نیست.

با توجه به عناصر تشکیل دهنده جرم موضوع این بند، هر نوع اقتباسی را نمی توان مشمول این ماده کرد و اگر اقتباس در هر حد مجاز و متعارف باشد حتی اگر با توافق و اجازه قانونی پدیدآورنده نباشد، جرم محسوب نمی شود، چون ماده ۷ قانون مزبور اعلام می دارد که «نقل از اثر هایی که انتشار یافته است و استناد به آنها برای مقاصد ادبی و علمی و فنی و آموزشی و تربیتی و به صورت انتقاد و تفریط به ذکر مأخذ در حدود متعارف مجاز است» و بر اساس تبصره همین ماده «ذکر مأخذ در مورد جزوه هایی که برای تدریس در موسسات آموزشی توسط معلمان آنها تهیه و تکثیر می شود الزامی نیست مشروط بر اینکه جنبه انتفاعی نداشته باشد».

همچنین با توجه به ذیل ماده ۱۸ قانون مزبور که اعلام می دارد «مگر اینکه پدیدآورنده به ترتیبی دیگری موافق کرده باشد»، اگر بر طرق قانونی هم اجازه به اقتباس کننده داده نشده باشد و به گونه دیگری جلب موافقت پدیدآورنده را کرده باشد عمل او جرم نخواهد بود، هرچند این امر به نفع متهم می باشد ولی نفع بزه دیدگان را نادیده می گیرد و ممکن است باعث تجری مرتکبان و بازگذاشتن دست آنها در تعرض به حقوق صاحبان اثر شود.

مسأله ای که همواره در اقتباس مورد بحث بوده است، این می باشد که در اقتباس از آثار ادبی و هنری تا چه حد حفظ امانت لازم است چون در برخی از آثار این امر به طور کامل محقق نخواهد شد مثلاً در اقتباس آثار سینمایی از آثار ادبی این مشکل بوجود می آید.

چون «ادبیات زبانی است که با تکیه بر کلمات نوشتاری مقاصد خود را بیان می کند حال آنکه زبان سینما بیشتر مبنی بر تصویر است و تنظیم فیلم نامه، نحوه تقطیع صحنه ها، طول زمانی رویدادها، نوع بازی و نحوه فیلم برداری و نور پردازی صحنه ها و یک مونتاژ خلاقه سینما را بوجود آورده است» (۱۰) به همین دلیل با اینکه از آغاز اختراع سینما تا به امروز اقتباس های زیادی از آثار ادبی صورت گرفته است اما «بسیاری از این اقتباس ها به اصل خود وفادار نمانده و به طرورق مختلف به تغییر تبدیل، تعدیل و حذف تمامی و یا پاره هایی از آثار پرداخته اند و این امر ناشی از تضاد میان قوانین زبان سینما و ادبیات و در نظر گرفتن طبع تماشاگر عادی و نیازهای تجاری تهیه کنندگان است. اما ارزش اقتباس هایی نظیر فیلم ماده ساخته یودوفکین از مادر ماکسیم گورکی و تولد یک ملت گریفیت از اثر دیکسون به خاطر تکیه کامل به تکنیک های گویشی سینمایی آنها و نه وفاداریشان به اصل ادبی است» (۱۱) اما به هر حال این امر باعث شده است که در برخی از آثار سینمایی امانت داری نسبت به اصل آن حفظ شود و در این حالت در صورتیکه پدیدآورنده اثر ادبی، ادعای تغییر اثر خود را بنماید به دلیل حساس بودن موضوع و تفاوت زبان بیانی باید از کارشناسان سوال شود و اگر آنها عدم امانت داری و تغییر و تحریف اثر ادبی را به وضوح مشاهده نمایند عمل ارتكابی جرم خواهد بود. ولی مشمول ماده ۱۸ نخواهد شد چون این ماده در مقام بیان افرادی است که اجازه اقتباس را دارند اما شرایط تشریفات آن همچون درج نام پدیدآورنده اصلی را رعایت نمی کنند و اگر در جریان اقتباس تغییر و تحریفی صورت گیرد که شرایط ماهوی اقتباس را خدشه دار سازد و به حقوق معنوی پدیدآورنده لطمه ای وارد سازد مشمول ماده ۱۹ قانون مزبور خواهد بود.

#### ۱-۵- تغییر یا تحریف در اثرهای ادبی-هنری

بر اساس ماده ۱۹ ق.ج.م.م.ه. «هرگونه تغییر یا تحریف در اثرهای مورد حمایت این قانون و نشر آن بدون اجازه پدیدآورنده ممنوع است». بر اساس ماده ۲۵ قانون مزبور نیز متخلفین به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال محکوم می شوند.

مراد از تحریف هرگونه تغییر و تبدیل در متن، محتوا و شکل پدیده و به معنای تغییر هویت عقیدتی و شخصیت علمی-ادبی پدیدآورنده است و چنین تحریف و تبدیلی، تدلیس است. با توجه به ذکر کلمه نشر در ذیل ماده این نکته به دست می آید که شرط تحقق تحریف اثر در این ماده، علنی شدن آن است و با توجه به عبارت «و نشر آن» مرتکب بایستی بعد از تحریف اثر، آن را منتشر کند و در اختیار مردم قرار دهد الا در صورتی که اثر تغییر یا تحریف شده نزد وی باقی بماند و علنی نشود از مشمول ماده خارج می شود.

عنصر مادی جرم مزبور با فعل و ترک فعل قابل تحقق است. به عنوان نمونه در صورتیکه یک آپاراتچی پرده ای از فیلمی را

نشان ندهد فیلم مزبور با عمل ترک فعل مرتکب تحریف شده است. هر شخص دیگر غیر از پدیدآورنده تنها در صورتی محق تغییر و تحریف اثر است که پدیدآورنده این اجازه را به وی داده باشد.

این جرم مطلق است و نیازی به وقوع نتیجه مجرمانه ندارد. بر خلاف بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون پرن که هرگونه تغییر و تحریف یا ایجاد نقصان در اثر دیگری را ممنوع کرده و اعلام نموده در صورتیکه تغییر و تحریف منجر به لطمه به حیثیت پدیدآورنده گردد تعرض به حقوق معنوی محسوب می شود و از این منظر، جرم مزبور بر خلاف قانون ایران، یک جرم مقید است.

این جرم عمدی است و نیاز به سوء نیت عام (علم به موضوع) دارد. یعنی مرتکب باید بداند که اثر ادبی یا هنری متعلق به دیگری است.

نکته ای که در خصوص تغییر و تحریف در آثار ادبی هنری قابل بحث و نظر است این می باشد که آیا اعمال سانسور و تغییر و اصلاح در آثار ادبی و هنری در اثر نظارت دولت می تواند منجر به تحریف آثار ادبی-هنری شود؟ این کار امروزه در تمام کشورها اعمال می شود زیرا محصولات فکری در هر جامعه ای بایستی با توجه به هنجارهای اخلاقی و اجتماعی آن باشند اما نوع نظارت با توجه به ویژگی های فرهنگی و نیز بافت حکومتی از جامعه ای به جامعه دیگر متفاوت است.

در ایران برای مطبوعات چاپ کتاب، سینما و آثار صوتی از نظام پیشگیری استفاده شود یعنی هر فعالیتی در این زمینه بایستی قبلاً مورد تأیید مأمورین صلاحیت دار قرار گیرد. در مورد مطبوعات، اصول و ضابطه های نشر در قانون مطبوعات آمده است و هیأت نظارت بر مطبوعات، رسیدگی و نظارت بر مطبوعات را بر عهده دارد. در مورد کتاب، موارد اعمال سانسور و ممیزی در این نامه اهداف و سیاست ها و ضوابط نشر کتاب مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۶۷ آمده است و نظارت بر امر طبع و نشر کتاب به عهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و هیأت نظارتی است که این وزارتخانه به شورای فرهنگ عمومی معرفی می کند. در مورد نمایش نیز به موجب آیین نامه نظارت بر نمایش نامه ها و صدور پروانه نمایش، اجرای هرگونه نمایشنامه مستلزم موافقت هیأت نظارت بر نمایش ها و صدور قبلی پروانه نمایش از اداره کل فعالیت های هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می باشد. در ایران هیأت های سانسور به موجب آیین نامه های که در باب نظارت ذکر شده حق این را دارند که با توجه به مفاد آیین نامه ها راساً اقدام به سانسور و حذف و تغییر آثار بنمایند. حتی در بسیاری از موارد مشاهده می شود که هیأت های سانسور از موارد قانونی مقرر در آیین نامه ها و قوانین، برای اعمال ممیزی نیز فراتر می روند و سلیقه های شخصی خود را در موارد ممیزی اعمال می کنند و دادن مجوز به پدیدآورنده را منوط به حذف و تغییر مواردی می نمایند که در قوانین و آیین نامه ها ذکر نشده است. به نظر می رسد که این رویه با اصل ۳۶ قانون اساسی که مقرر می دارد «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد»، مغایرت دارد و هیأت های سانسور اعمالی را که بر عهده دادگاه است به عهده گرفته اند و افراد را از حقوق خود محروم می کنند.

البته در صورتیکه هیأت های نظارت به موارد معین قانونی در اعمال ممیزی عمل نکنند و فراتر از آن اقدام به سانسور آثار نمایند و این منجر به تحریف آثار شود، پدیدآورنده می تواند در مواردی که حق اعتراض به عملکرد هیأت نظارت در قوانین و آیین نامه ها شناخته شده باشد، به رأی آنان اعتراض نماید (۱۲) همچنین در صورتی که تصمیمات متخذه هیأت های سانسور مبنی بر سانسور و توصیف بر خلاف قوانین و مقررات باشد و اعتراض ذینفع نیز موثر واقع نشود مطابق اصل ۱۷۳ قانون اساسی (۱۳) می توان علیه آنها در دیوان عدالت اداری طرح دعوی نمود.

اگر با اعمال سانسور و توصیف، خسارتی به پدیدآورنده اثر وارد شده باشد، وی می تواند اقدام به طرح دعوی خسارت در دیوان عدالت اداری بنماید و چنانچه دیوان به آن رسیدگی نماید و آنرا مورد تأیید قرار دهد تعیین میزان خسارت با دادگاههای عمومی دادگستری خواهد بود (۱۴).

#### ۱-۶- عدم درج مشخصات چاپ و نشر بر روی نسخه های پخش شده

بر اساس ماده ۲۰ «چاپخانه ها و بنگاههای ضبط صوت و کارگاهها و اشخاصی که به چاپ یا نشر یا پخش یا ضبط و یا تکثیر اثرهای مورد حمایت این قانون می پردازند باید شماره دفعات چاپ و تعداد نسخه کتاب یا ضبط یا تکثیر یا پخش یا انتشار و شماره مسلسل روی صفحه موسیقی و صدا را بر تمام نسخه هایی که پخش می شود یا ذکر تاریخ و نام چاپخانه یا بنگاه یا کارگاه مربوطه بر حسب مورد درج نمایند». متخلفین از این ماده بر طبق ماده ۲۵ به حبس تأدیبی از سه ماه تا یکسال محکوم می شوند.

عنصر مادی این جرم به صورت ترک فعل است. و تخلف مزبور توسط اشخاص حقیقی و حقوقی قابل ارتکاب است. در صورتی که مرتکب، شخص حقوقی باشد طبق ماده ۲۸ قانون مزبور عمل خواهد شد. براساس ماده مزبور «هرگاه متخلف از این قانون شخص حقوقی باشد علاوه بر تعقیب جزایی شخص حقیقی مسئول که جرم ناشی از تصمیم او باشد خسارات شاکی خصوصی از انواع شخص حقوقی جبران خواهد شد و در صورتیکه اموال شخص حقوقی به تنهایی تکافو نکند ما به التفاوت از اموال مرتکب جرم جبران می شود».

۲-قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲

جرایم مندرج در این قانون در حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری عبارتند از :

#### ۱-۲- تعرض به حق تکثیر یا تجدید چاپ یا بهره برداری مترجم

بر اساس ماده ۱ قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی، حق تکثیر، تجدید چاپ و بهره برداری و نشر و پخش هر ترجمه ای با مترجم یا وارث قانونی اوست. مدت استفاده از این حقوق که به وراثت منتقل می شود از تاریخ مرگ مترجم، سی سال است. حقوق مذکور قابل انتقال به غیر بوده و انتقال گیرنده از این حقوق، قایم مقام انتقال دهنده برای استفاده از بقیه مدت از این حق خواهد بود. ذکر نام مترجم در تمام موارد استفاده الزامی است. متخلفین از این موارد بر طبق ماده ۷ قانون مزبور علاوه بر تأدیه خسارات شاکی خصوصی مستوجب مجازات حبس جنبه ای از سه ماه تا یکسال هستند.

## ۲-۲- تکثیر کتب و نشریات بدون اجازه صاحب حق

بر اساس ماده ۲ قانون مزبور، تکثیر کتب و نشریات به همان زبان و شکلی که چاپ شده به قصد فروش یا بهره برداری مادی از طریق چاپ افسست یا عکس برداری یا طرق مشابه بدون اجازه صاحب حق، ممنوع است بر طبق ماده ۷ همین قانون کسانی که عمداً یا عالماً مرتکب آن شوند علاوه بر تأدیه خسارات شاکی خصوصی به حبس جنحه ای از سه ماه تا یکسال محکوم خواهند شد.

عنصر مادی جرم مزبور، تکثیر کتب و نشریات است که شیوه ارتکاب آن نیز از طریق چاپ افسست یا عکسبرداری یا طرق مشابه است. و از این لحاظ مصادیق روش و طریق تکثیر، تمثیلی است عدم اجازه صاحب حق در این ماده شرط تحقق جرم است. مرتکب بایستی عمد در تکثیر داشته باشد و نیز عالم و آگاه به این باشد که کتب و نشریات مزبور فاقد جواز تکثیر هستند. تحقق عنصر روانی این جرم به سو نیت خاص نیز نیاز دارد. یعنی مرتکب بایستی کتب و نشریات مزبور را به قصد فروش یا بهره برداری مادی از طریق عکسبرداری یا طرق مشابه تکثیر نماید و اگر قصد فروش یا بهره برداری مادی نداشته باشد، جرم تحقق پیدا نخواهد کرد.

## ۲-۳- نسخه برداری یا ضبط یا تکثیر آثار صوتی

بر اساس ماده ۳ قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی «نسخه برداری یا ضبط یا تکثیر آثار صوتی که بر روی صفحه یا نوار و یا هر وسیله دیگر ضبط شده است بدون اجازه صاحبان حق یا تولید کنندگان انحصار یا قائم مقام قانونی آنان برای فروش ممنوع است حکم مزبور در این ماده شامل نسخه برداری یا ضبط یا تکثیر از برنامه های رادیو و تلویزیون یا هرگونه پخش دیگر نیز خواهد بود». متخلفین از این ماده بر طبق ماده ۷ قانون مزبور علاوه بر تأدیه خسارات شاکی خصوصی به حبس جنحه ای از سه ماه تا یکسال محکوم خواهند شد.

در اینجا فرقی نمی کند که اثر صوتی بر روی چه وسیله ای ضبط شده است، مهم این است که آن اثر بر روی یک وسیله ضبط شده باشد. جرم مزبور در صورتی قابل تحقق است که صاحبان حق یا تولید کنندگان انحصاری یا قائم مقام قانونی آن ها اجازه نسخه برداری یا ضبط یا تکثیر اثر صوتی یاد شده را نداده باشند. همچنین برای تحقق جرم مزبور، نیاز به سوء نیت خاص «فروش» است و اگر این کار را برای فروش نکرده باشند و فقط قصد استفاده شخصی بوده باشد، جرم مزبور تحقق پیدا نمی کند.

## ۲-۴- ورود یا صدور آثار غیر مجاز هنری

بر طبق بند ۲ ماده ۷ قانون مزبور، کسانی که اشیا مذکور در ماده ۳ را که به طور غیر مجاز در خارج تهیه شده به کشور وارد یا صادر کند، در صورتیکه علم و عمد در اینکار داشته باشند، علاوه بر جبران خسارات شاکی خصوصی به حبس جنحه ای از سه ماه تا یکسال محکوم خواهند شد. منظور از اشیا مذکور در ماده ۳، آثار صوتی نسخه برداری شده یا ضبط شده یا تکثیر شده بدون اجازه صاحبان حق یا تولید کنندگان انحصاری و یا قائم مقام قانونی آنان می باشد. عنصر مادی این جرم وارد کردن و صادر کردن می باشد که به صورت فعل تحقق می یابند و با ترک فعل قابل تحقق نیست.

ماده ۸ این قانون مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را پذیرفته و مقرر می دارد «هرگاه متخلف از این قانون شخص حقوقی باشد علاوه بر تعقیب جزایی شخص حقیقی مذکور، که جرم ناشی از تصمیم او باشد، خسارات شاکی خصوصی از اموال شخص حقوقی جبران خواهد شد و در صورتیکه اموال شخص حقوقی به تنهایی تکافو نکند ما به التفاوت از اموال شخص حقیقی مسئول جبران می شود».

یکی از شروط تحقق جرم موضوع این بند آن است که آثار صادر شده یا وارد شده بایستی در خارج از کشور و بدون کسب مجوز نسخه برداری شده باشند و اگر نسخه برداری آنها در خارج به صورت مجاز و با کسب اجازه از صاحبان حق یا تولید کنندگان انحصاری یا قائم مقام قانونی آنها نسخه برداری شده باشد ورود و صدور اینگونه آثار باعث تحقق جرم مزبور نخواهد شد.

نکته قابل ذکر در خصوص جرم مزبور و جرم بند قبلی این است که صفحات یا نوارهای موسیقی و صوتی در صورتی حمایت می شوند که در روی نسخه یا جلد آن علامت بین المللی به لاتین در داخل دایره و تاریخ انتشار و نام نشانی تولید کننده و نماینده انحصاری و علامت تجاری ذکر شده باشد والا در برابر اقدامات منع شده حمایت نخواهند شد. (۱۵)

همچنین تکثیر و نسخه برداری از کتب و نشریات و آثار صوتی موضوع مواد ۳ و ۲ که به منظور استفاده در کارهای مربوط به آموزش یا تحقیقات علمی مجاز خواهد بود مشروط بر اینکه جنبه انتفاعی نداشته باشد و اجازه نسخه برداری از آنها قبلاً به تصویب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی رسیده باشد. (۱۶) همچنین بایستی گفت که نسخه برداری از کتب و نشریات و آثار صوتی موضوع مواد ۳ و ۲ قانون مورد نظر در صورتیکه برای استفاده شخصی و خصوصی باشد بلامانع است. (۱۷)

جرم مزبور از لحاظ عنصر روانی یک جرم عمدی است و مرتکب بایستی عمد در ورود یا صدور اثر نسخه برداری شده داشته باشد. همچنین وی بایستی آگاه به این باشد که آثار مزبور به صورت غیر مجاز در خارج از کشور نسخه برداری شده اند. بر طبق ماده ۱۲ این قانون تعقیب بزه های مذکور در این قانون از جرایم قابل گذشت بوده و منوط به شکایت شاکی خصوصی است که در صورت گذشت او تعقیب یا اجرای حکم موقوف می شود.

نکته دیگری که در مورد جرایم ذکر شده در این گفتار قابل ذکر است این می باشد که در صورتی که آثار موضوع این جرایم مشمول حمایت های مذکور در قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان باشند، احکام این جرایم جاری نخواهد بود بلکه مقررات قانون حمایت حقوق مؤلفان ملاک خواهد بود. (۱۸)

۳- قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه ای مصوب ۱۳۷۹

## ۱-۳- نقض حقوق مادی و معنوی پدیدآورنده نرم افزار رایانه ای

بر اساس ماده یک قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه ای «حق نشر، عرضه، اجرا و حق بهره برداری مادی و معنوی نرم افزار رایانه ای متعلق به پدیدآورنده آن است» مدت حقوق مادی سی سال از تاریخ پدیدآوردن نرم افزار و مدت حقوق معنوی نا محدود است. بر طبق ماده قانون مزبور هر کس حقوق فوق را نقض نماید، علاوه بر جبران خسارت به حبس از ۹۱ روز تا شش ماه و جزای نقدی از ده میلیون تا پنجاه میلیون ریال محکوم می گردد.

جرم مزبور از جرایم قابل گذشت بوده که با شکایت شاکی خصوصی شروع و باگذشت او موقوف می شود. نکته ای که در مورد جرم مزبور قابل ذکر است این می باشد که تعرض به حقوق مزبور در ماده یک در صورتی جرم محسوب می گردد که موضوع برای نخستین بار در ایران تولید و توزیع شده باشد، در غیر اینصورت نقض آنها جرم نخواهد بود. (۱۹)

## ۲-۳- به کار بردن نام، عنوان و نشان ویژه معرف یک نرم افزار برای نرم افزار دیگری

بر اساس ماده سه « نام، عنوان و نشان ویژه ای که معرف نرم افزار است از حمایت این قانون برخوردار است و هیچ کس نمی تواند آنها را برای نرم افزار دیگری از همان نوع یا مانند آن به ترتیبی که القای شبه کند به کار برد. در غیر اینصورت به مجازات مقرر در ماده سیزده این قانون محکوم خواهد شد».

شرط تحقق جرم مزبور، القای شبهه در نتیجه به کار بردن نام، عنوان و نشان ویژه معرف یک نرم افزار برای نرم افزار دیگر است و اگر در نتیجه این کار برد، القای شبهه نشود، جرم مزبور تحقق پیدا نخواهد کرد.

۴- قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیر مجاز می نمایند مصوب سال ۱۳۸۶

## ۱-۴- معرفی آثار سمعی و بصری غیر مجاز به جای آثار مجاز

طبق ماده یک قانون مزبور، هر شخصی اعم از حقیقی یا حقوقی که مبادرت به هرگونه اعمالی برای معرفی آثار سمعی و بصری غیر مجاز به جای آثار مجاز نماید و با تکثیر بدون مجوز آثار مجاز موجب تضییع حقوق صاحبان اثر شود، اعم از جعل بر چسب رسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی الصاق شده بر روی نوار و لوح های فشرده صوتی و تصویری ویا تعویض نوار یا محتوای داخل کاست نوار دارای برچسب و نظایر آن، بر حسب مورد علاوه بر مجازات جعل و پرداخت خسارت وارده در جایی که تضییع حق موجب خسارت مالی است در صورت مطالبه صاحبان اثر خسارت وارده را جبران می کند و در هر حال به جرمه نقدی از دو میلیون تا بیست میلیون ریال محکوم می شود و بر اساس تبصره ماده مزبور، در مرحله تشخیص عمل ارتكابی دادگاه می تواند نظر کارشناس وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را ملاک عمل قرار دهد.

جرم مزبور به نوعی ارتباط با احقاق حقوق پدید آورندگان آثار هنری و ادبی دارد بدین معنی که ماده مزبور به مقابله با کسانی می پردازد که با معرفی آثار غیر مجاز به جای آثار مجاز موجبات تضییع حقوق صاحبان اثر را فراهم می آورند.

بایستی گفت که نشر، پخش و عرضه آثار سمعی و بصری علاوه بر اینکه نیاز به کسب اجازه از سوی پدید آورنده اثر دارد برای نشر، پخش و عرضه اثر، نیاز به اخذ مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را نیز دارد و گرفتن این مجوز برای پدید آورنده اصلی اثر لازم می باشد. کسانی که مبادرت به تهیه آثار غیر مجاز می نمایند و اقداماتی برای معرفی این آثار به جای آثار مجاز می نمایند در واقع جلوی فروش و استفاده صاحبان آثار را که از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجوز لازم را دریافت کرده اند از آثارشان را می گیرند و با این اقدام موجبات خسارت و تضرر آنان را فراهم می نماید. نوع اعمال ارتكابی تمثیلی است و ممکن است از طریق جعل برچسب رسمی وزارت فرهنگ یا موارد نظایر آن باشد.

## ۲-۴- فعالیت تجاری در امور سمعی بصری بدون اخذ مجوز

بر اساس ماده ۲ این قانون هرگونه فعالیت تجاری در زمینه تولید، توزیع، تکثیر و عرضه آثار، نوارها و لوح های صوتی و تصویری نیاز به اخذ مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دارند. متخلفین از این امر به جرمه نقدی از ده میلیون تا یکصد میلیون ریال محکوم خواهند شد.

بر اساس تبصره یک ماده مزبور، نیروی انتظامی موظف است که ضمن ممانعت از فعالیت اینگونه اشخاص و مراکز نسبت به پلمپ اینگونه مراکز و دستگیری افراد طبق موازین قضایی اقدام نماید.

ماده مزبور جهت ساماندهی و نظم دادن به امور سمعی و بصری و جلوگیری از فعالیت های غیر مجاز و مضر به اخلاف و نظم عمومی هرگونه فعالیت تجاری در زمینه سمعی و بصری را موقوف به اخذ مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نموده است و برای کسانی که بدون مجوز در این زمینه فعالیت می کنند جزای نقدی در نظر گرفته است. بر اساس تبصره ۲ ماده مزبور در صورتیکه فعالیت غیر مجاز در امور سمعی و بصری توسط شخصیت حقوقی ارتكاب یافته باشد، بالاترین مقام اجرایی تصمیم گیر مسئول خواهد بود.

نکته ای که در مورد جرایم موضوع این قانون قابل ذکر است این می باشد که رسیدگی به این جرایم در صلاحیت دادگاه انقلاب اسلامی است البته مشخص نیست که چرا قانون گذار رسیدگی به این جرایم را با این مقدار از مجازات کم در صلاحیت دادگاه انقلاب داده است اگر چه برخی از جرایم مصرح در این قانون ممکن است به دلیل اقدام علیه امنیت اخلاقی و عمومی از نظر رسیدگی در دادگاه انقلاب قابل توجیه باشد.

## ۵- قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴

قانون مطبوعات در بند ماده ۶ سرقت های ادبی را ممنوع کرده و برای متخلفین مجازات پیش بینی کرده است. بر اساس تبصره ۱ ماده ۶، «سرقته ادبی عبارت است از نسبت دادن تمام یا بخشی قابل توجهی از آثار و نوشته های دیگران به خود یا غیر ولو به صورت ترجمه». بر اساس تبصره دو این ماده نیز مرتکبان سرقت ادبی مستوجب مجازات های مقرر در ماده ششصد و نود و هشت ق.م.ا خواهند بود و در صورت اصرار، مستوجب تشدید مجازات و لغو پروانه می باشند.

این جرم از جرایم عمدی است و مرتکب در نسبت دادن بایستی قصد و عمد داشته باشد ولی نیازی به سو نیت خاص نیست.

## ۶- قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲

برخی از مصادیق حقوق مالکیت ادبی و هنری چون حق مؤلف در بستر مبادلات الکترونیکی در مورد حمایت قرار گرفته اند. بر اساس ماده ۲۴ قانون تجارت الکترونیکی «هرکس در بستر مبادلات الکترونیکی با تکثیر، اجرا و توزیع مواردی را که در قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸/۹/۳ و قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲/۹/۲۶ و قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه ای مصوب ۱۳۷۹/۱۰/۴، منوط بر آنکه امور مذکور طبق مصوبات مجلس شورای اسلامی مجاز شمرده شود، در صورتیکه حق تسریع شده مؤلفان را نقض نماید به مجازات سه ماه تا یکسال حبس و جزای نقدی به میزان پنجاه میلیون ریال محکوم خواهد شد».

در واقع ماده مذکور نقض حق مؤلف در بستر مبادلات الکترونیکی را جرم انگاری کرده است و به مقابله با کسانی می پردازد که حق مؤلف را در بستر مبادلات الکترونیکی نقض می نمایند. این حق در ماده ۶۲ قانون مزبور بدین شرح مورد حمایت قرار گرفته است: «حق تکثیر، اجرا و توزیع (عرضه و نشر) آثار تحت حمایت قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸/۹/۳ و قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲/۹/۲۶ و قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه ای مصوب ۱۳۷۹/۱۰/۴، به صورت داده پیام منحصرأ در اختیار مؤلف است. کلیه آثار و تألیفاتی که در قالب داده پیام می باشند، از جمله اطلاعات، نرم افزارها و برنامه های رایانه ای ابزار و روش های رایانه ای و پایگاه های داده و همچنین حمایت از حقوق مالکیت های فکری در بستر مبادلات الکترونیکی شامل حق اختراع، حق طراحی، حق مؤلف، حق مترجم، حمایت از پایگاه های داده، حمایت از نقشه مدارهای یکپارچه قطعات الکترونیکی و حمایت از اسرار تجاری مشمول قوانین مذکور در این ماده و قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰/۴/۱ و آیین نامه اصلاحی اجرای قانون ثبت علائم تجاری و اختراعات مصوب ۱۳۳۷/۴/۱۴ خواهد بود منوط بر آنکه امور مذکور در آن دو قانون موافق مصوبات مجلس شورای اسلامی باشد».

بر اساس تبصره یک ماده ۶۲، حقوق مرتبط با مالکیت ادبی و هنری شامل حقوق مادی و معنوی برای عناصر دیگری علاوه بر مؤلف، از جمله حقوق هنرمندان مجری آثار، تولید کنندگان صفحات صوتی و تصویری و سازمانها و موسسات ضبط و پخش می باشند که مشمول قوانین مصوب ۱۳۴۸/۹/۳ و ۱۳۵۲/۹/۲۶ مورد اشاره در این ماده می باشند.

نتیجه گیری

حمایت های مقنن از مالکیت ادبی و هنری در جهت توسعه و انطباق با پیشرفت های تکنولوژی است. تصویب قانون تجارت الکترونیکی نمایانگر تمایل مقنن به حرکت در جهت انطباق با فناوری های نوین است. مع الهذا مقررات ایران تا کنون برای پدیدآورنده اثر ادبی و هنری حق ترجمه قائل نشده است و بر این اساس بر گردان اثر دیگری بدون اجازه او، فاقد وصف کیفی است.

#### پی نوشت ها

۱. رک: ججتی اشرفی، غلامرضا، محشای قوانین بازرگانی و تجاری، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ ۲، ۱۳۸۴، ص ۱۶۶
۲. رک: صائی، پرویز، حقوق جزای عمومی، جلد اول، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ ۷، ۱۳۷۶، ص ۱۱۶
۳. رک: آیتی، حمید منبع پیشین، ص ۱۲۵
۴. منبع پیشین، ص ۱۲۸
۵. رک: الستی، ساناز، منبع پیشین، ص ۶۷
۶. رک: الستی، ساناز، همان منبع، ص ۳۹
۷. عبادی، شیرین، حقوق ادبی و هنری، تهران، انتشارات روشنگران، ۱۳۶۹، ص ۸۵
۸. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، حقوق اموال، ص ۱۶۹
۹. رک: الستی، منبع پیشین، ص ۷۲
۱۰. رک: محمد خیری، اقتباس برای فیلمنامه، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۶۸، صص ۵۸ و ۴۸
۱۱. رک: رفیعا، بزرگمهر، ماهیت سینما، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۴، صص ۲۴-۲۳
۱۲. به عنوان مثال مرجع رسیدگی به اعتراض توصیف نمایش، شورای هنرهای نمایشی است یا در مورد آثار سینمایی، ذینفع حق اعتراض در شورای عالی نظارت را خواهد داشت و در مورد تبلیغات تلویزیونی حق اعتراض کتبی به واحد بازرگانی صدا و سیما پیش بینی شده است.
۱۳. به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آیین نامه های دولتی و احقاق حقوق آنها دویانی به نام دیوان عدالت اداری زیر نظر رییس قوه قضاییه تأسیس می گردد. حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می کند.
۱۴. رک: طباطبایی، منوچهر مؤتمنی، حقوق اداری، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۶، صص ۴۶۲-۴۵۶
۱۵. ماده (۴) قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی
۱۶. ماده (۵) قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی
۱۷. تبصره ماده (۵) قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی
۱۸. تبصره ماده (۱۰) قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی
۱۹. ماده (۱۶) قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم افزار های رایانه ای

